

چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی در مدیریت محلی

حسین ایمانی جاجرمی *

علیرضا کریمی **

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۹/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱۰/۲۷

چکیده

سازمان‌های جمعی مردم‌سالار با ساختار افقی نقش مهمی در پیشبرد برنامه‌های توسعه دارند. شوراهای به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین انواع سازمان‌های مذکور در ایران، جدیدترین بازیگر در عرصه مدیریت محلی به حساب می‌آیند. آنها با احتساب انجمن بلدی و انجمن شهر اگر چه پیشینه‌ای طولانی در تاریخ معاصر ایران دارند، اما فاقد استمرار تاریخی و نهادینگی و ریشه‌های اجتماعی قدرت‌مند و مؤثر بوده‌اند. این مسأله سبب شده تا نتوانند از کارایی و اثربخشی لازم برای توسعه سطوح فراملی برخوردار باشند. اگرچه شوراهای روستایی می‌توانند نقش مهمی در توسعه روستایی داشته باشند اما نسبت به شوراهای شهر کمتر مورد توجه قرار گرفته و مسائلی آنها با نگاهی تحلیلی بررسی شده است. هدف این مقاله که به روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و مدارک معتبر در زمینه شوراهای اسلامی روستایی تهیه شده، شناخت و تحلیل مسائل و چالش‌های اجتماعی آنها می‌باشد. از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی می‌توان، سهم اندک زنان در مدیریت روستایی علی‌رغم جمعیت قابل توجه آنان در ساختار جمعیت روستاها، پایین بودن سرمایه انسانی اعضای شوراهای روستائیان، مهاجرت اعضای شورا و جمعیت جوان روستایی به شهرها و همچنین کاهش میزان سرمایه اجتماعی میان شوراهای روستائیان را نام برد. از جمله پیشنهادات مقاله برای برون‌رفت از چالش‌های اجتماعی، تلاش برای نهادینگی و افزایش توانمندی شوراهای، کاهش تمرکزگرایی اداری، تقویت مدیریت محلی و برنامه‌هایی مانند اختصاص سهمیه برای زنان در سازمان‌های مدیریت روستایی است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت محلی، شوراهای روستا، مشارکت، سرمایه اجتماعی، توسعه محلی و زنان روستایی.

* استادیار گروه توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. imaniyajarmi@ut.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی‌ارشد توسعه اجتماعی.

مقدمه

شوراهای محلی که در شهرها و روستاها تشکیل می‌شوند وظیفه مدیریت امور عمومی را دارند. گرچه گستره امور عمومی مربوط به سازمان‌های محلی دمکراتیک در ایران در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته بسیار محدود است، اما می‌توان امیدوار بود که با روشن شدن کارکردهای مثبت و آگذاری اداره امور به مردم و مشارکت آنها در مدیریت جامعه، به تدریج این گستره افزایش یافته و مردم در تمامی امور عمومی مربوط به محل زندگی از مسکن و اشتغال گرفته تا فراهم کردن فضاهای فراغتی و حفظ میراث تاریخی و فرهنگی به شوراها مراجعه نمایند. با این وجود شوراها در انجام وظایف و کارکردهای خود با چالش‌هایی مواجه‌اند. یکی از چالش‌های مهم پیش‌روی شوراها، چالش‌های اجتماعی است. این مقاله می‌کوشد چالش‌های اجتماعی را که مربوط به شوراهای اسلامی روستایی هستند، مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

پیشینه و مسأله تحقیق

زندگی روستایی در اعصار گذشته در دیه‌هایی پراکنده، تا حدودی خودبسند و همگن جریان می‌یافت. زیست شهری متصرفان و مالکان عمده و متوسط سبب می‌شد تا سواى خوش‌نشین‌ها که خدمات روستایی را انجام می‌دادند و در پایین‌ترین رده اجتماعی بودند (خسروی، ۱۳۵۵: ۱۳۰؛ ازکیا، ۱۳۷۰: ۲۱۵؛ هوگلاند، ۱۳۸۱: ۶۲؛ طالب، ۱۳۸۴: ۱۲۷)، تفاوت‌های اجتماعی میان ساکنان روستا به‌طور نسبی چندان زیاد نباشد. اداره امور عمومی در روستاهای سنتی بر عهده کدخدا بود. او «که هم به جماعت رعیت تعلق داشت و هم مورد تأیید و منصوب مالکان و متصرفان بود، نقش واسطه و نیز اداره امور جماعت را بر عهده داشت تا به‌گونه‌ای کدخدان‌نشانه و در حد توش و توان رعیت کار بهره‌کشی از رعایا را سامان دهد» (اشرف، ۱۳۶۱: ۷). آغاز گسترش مناسبات ایران با نظام اقتصاد جهانی در دهه‌های آخر سده نوزده میلادی موجب خروج تدریجی روستاها از خودکفائی نسبی و وابستگی به مناطق رو به گسترش شهری شد. با پیروزی انقلاب مشروطه و تشکیل مجلس شورای ملی، نوگرایان ایرانی برای رهایی از شرایط عقب‌ماندگی، قانون «تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام» را در سال ۱۲۸۶ خورشیدی با هدف تنظیم و ساماندهی وضعیت مدیریت بر سرزمین به تصویب رساندند. از مهم‌ترین ویژگی‌های این قانون این بود که حکومت، کدخدا را که از

چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی ...

دیرباز وظیفه هدایت و هماهنگی امور عمومی ده را برعهده داشت به‌عنوان عامل خود در روستا برگزید. این اقدام سبب شد تا تحولی بنیادین در مناسبات روستایی به‌وجود نیاید و تنها اصلاحاتی اندک در وضع موجود صورت گیرد. از مهم‌ترین تحولاتی که در خصوص مدیریت روستایی در دهه ۱۳۳۰ خورشیدی در حوزه مدیریت روستایی صورت گرفت تشکیل «انجمن عمران ده» و پس از آن «انجمن ده» بود که با ترکیب ۵ نفر شامل نماینده مالک، نماینده زارع، کدخدا و دو نفر معتمد مالک و زارع در روستاها تشکیل می‌شد و مقرر بود به امور عمومی و عمرانی روستاها بپردازد. اما در دهه چهل با قدرت گرفتن دولت و فزونی اتکای آن به درآمدهای نفتی، این نهاد نتوانست حرکت تأثیرگذاری خارج از ظرفیت اقتصادی جامعه ایران داشته باشد. یکی از مهم‌ترین اقدامات با عنوان برنامه «اصلاحات ارضی» بود که تغییراتی در ساختار اجتماعی روستاها ایجاد کرد و همگنی نسبی آن را تا اندازه‌ای از میان برد (اشرف، ۱۳۶۱: ۱۲). این تحولات مدیریت روستایی را نیز در برگرفت و موجب تصویب قوانینی جدید شد. از مهم‌ترین این قوانین باید به قانون، «قانون تشکیل انجمن‌های ده و اصلاح امور اجتماعی و عمران دهات» اشاره کرد که در سال ۱۳۴۲ به تصویب رسید. از آنجایی که اصلاحات ارضی مالکین را از صحنه زندگی روستایی حذف کرده بود پس لازم بود تا قوانین جدیدی برای شرایط جدید تدوین گردد. هدف از تصویب این قانون تشکیل «انجمن ده» مرکب از ۵ نفر منتخب روستائیان بود. این انجمن‌ها موظف بودند تا زیر نظر و هدایت وزارت کشور برنامه‌های اصلاحات روستایی را به انجام رسانند. برای نخستین بار در این قانون به مقام و موقعیت کدخدا توجهی نشد و مقرر گردید امور عمومی ده به شکل انجمنی اداره شود. با تشکیل «وزارت تعاون و امور روستاها» در سال ۱۳۵۳، قانون «تشکیل انجمن ده و دهبانی» به تصویب رسید که وظایف گسترده‌ای را برای انجمن ده و دهبان برشمرده بود اما فرصت چندانی برای اجرا نیافت.

در مجموع در خصوص مدیریت روستایی در پیش از انقلاب می‌توان گفت که دخالت دولت در روستا، ارکان سنتی اداره امور عمومی را از هم پاشید و تشکیلاتی مانند انجمن ده هیچ‌گاه پایگاه استواری برای فعالیت نیافت. جامعه روستایی به دلیل سلطه فرهنگی-تاریخی نظام ارباب-رعیتی و به سبب مشکلاتی که انجمن‌های ده با آنها مواجه بودند مانند: «اختلاف میان اعضا، عدم احساس مسئولیت، بی‌سوادی، عدم همکاری روستائیان» (ایمانی جاجرمی، ۱۳۷۲: ۴۶)، آمادگی لازم برای پذیرفتن الگوهای نوین مدیریت امور عمومی مانند انجمن ده را نداشت. از سوی دیگر سیاست دولت

در مورد روستاها نیز به شدت متغیر بود. تغییرات مکرر قوانین و احاله امور روستایی از وزارتی به وزارتی دیگر سبب از هم پاشیدگی مدیریت روستایی در آستانه انقلاب اسلامی شد.

پس از انقلاب اسلامی مسأله مالکیت زمین سبب شد تا مباحثات داغ و شدیدی میان طرفداران نظریات مختلف از نظریه‌های اسلامی مالکیت تا نظریه‌های مربوط به گروه‌های چپ جریان یابد. یکی از نخستین اشاره‌ها به مسأله شوراها در «سمینار بررسی مسائل کشاورزی، روستایی و عشایری ایران» صورت گرفت که مهرماه سال ۱۳۵۸ از سوی «وزارت کشاورزی و عمران روستایی» وقت در تهران برگزار شد. سمینار متشکل از هفت کمیته بود که کمیته «چگونگی تشکیل شوراهای ده و دهستان» به بحث شوراهای روستایی اختصاص داشت. با توجه به آنکه در آن زمان بحث تعیین تکلیف مالکیت زمین موضوع داغ روز بود بیشترین حجم بحث‌های صورت گرفته در سمینار به آن اختصاص داشت و فرصت کمتری برای موضوع شوراها صرف شد. در یکی از معدود منابعی که به بحث‌های شوراهای آن سمینار پرداخته، آمده است: «مسأله شوراهای دهقانی هم یکی از مقولات مهمی بود که آن را در سمینار به بحث گذاشته بودند. آن چه که در قطعنامه کمیته بررسی شوراهای دهقانی آمده است با جهت‌گیری وزارت کشاورزی هماهنگ نیست. در واقع اگر سیاست‌های وزارت کشاورزی عملی شود، امکانی برای استقرار نهادهای شورائی با خصائصی که برای آن برشمرده‌اند، باقی نخواهد ماند. در چنین صورتی شوراهای دهقانی به ارگانی برای آشتی طبقاتی در روستا مبدل شده یا پایگاهی خواهد شد برای تداوم حاکمیت قشرهای مسلط کنونی» (شفیق، ۱۳۵۸: ۵۱). با اجرای قانون «نحوه واگذاری و احیاء اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران» در فروردین ۱۳۵۹ تشکیلات جدیدی برای تقسیم‌بندی و واگذاری زمین‌های کشاورزی پدید آمد که بر تحولات مدیریت روستایی تأثیرات مهمی گذاشت. برای اجرای قانون یک ستاد مرکزی واگذاری و احیای اراضی در مرکز و هیئت‌های هفت نفره در شهرستان‌ها تشکیل شد. در همین زمان تشکیل جهاد سازندگی و فعالیت آن در روستاها و طرح بحث تشکیل شوراهای اسلامی روستایی ابتکار را از سازمان‌های چپی که در آن دوران به دنبال جنبش‌های انقلابی روستایی بودند را گرفت. به نظر احمد اشرف که تحولات این دوران را تحلیل کرده است: «پیامدهای سیاسی اجرای بند ج و فعالیت‌های هیئت‌های هفت نفره و جهاد سازندگی در روستاها اهمیت خاصی داشت و موجب بسط قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی در اقصی نقاط کشور، تأسیس بیش از ۱۵ هزار شورای اسلامی در روستا، بیرون راندن سازمان‌ها و گروه‌های چپ از روستا و

چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی ...

ملاً بازگرداندن نظم و آرامش و قانون به روستا شد» (اشرف، ۱۳۶۱: ۳۳). با بسط قدرت دولت و برقراری آرامش در روستاها از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۵ سه قانون مربوط به شوراهای اسلامی تصویب شد. قانون نخست با عنوان «قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری» مصوب سال ۱۳۶۱، مدیریت روستایی را بر عهده نهاد جدیدی که «شورای اسلامی روستا» نام داشت و جانشین انجمن ده شده بود، واگذار کرد. مدت اعتبار شورا در این قانون دو سال بود. ده‌بان مقامی بود که در آخرین قانون مدیریت روستایی قبل از انقلاب وظیفه اجرایی در روستا داشت اما در قانون جدید، مقام دارای نقش اجرایی در نظام مدیریت روستا در نظر گرفته نشده بود و این ابهامی بود که در سال‌های بعدی مشکلات بسیاری را برای شوراها پدید آورد. قانون دوم که فرصت اجرا نیافت «قانون اصلاح قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری» مصوب سال ۱۳۶۵ بود. وفق قانون مدت اعتبار شورا به چهار سال افزایش یافت اما باز هم به مقام اجرایی مدیریت روستا توجهی نشد. در بسیاری از روستاها شوراها تشکیل شده بودند اما سازوکار اجرای تصمیمات مشخص نبود. جهاد سازندگی که پس از انقلاب خود را متولی امور روستایی می‌دانست برای حل این مشکل اقدام به تشکیل «خانه‌های همیار روستایی» در تعدادی از روستاهای کشور کرد. «همیار روستا» از سوی شورای اسلامی معرفی و با حکم جهاد سازندگی به مقام خود منصوب می‌شد. روستاهای با جمعیت ۱۵۰۰ نفر و بالاتر می‌توانستند همیار داشته باشند. او علاوه بر اجرای مصوبات شورا موظف بود برنامه سالانه عمرانی، بهداشتی، خدماتی و ... را تهیه و جهت بررسی و تصویب به شورای اسلامی روستا اعلام نماید. این طرح تا پایان سال ۱۳۷۰ ادامه داشت. همچنین در برخی از روستاهای کشور که شوراها اسلامی به دلایلی مانند فقدان مشروعیت مردمی یا ضعف مدیریت زمینه و توان لازم برای جلب مشارکت و همکاری روستاییان را نداشتند، نهادی دیگر یعنی «بنیاد مسکن انقلاب اسلامی» را وادار کرد تا «شورای عمران و بهسازی» و «دفتر عمران» روستایی را تشکیل دهند. مرور شرح وظایف دفتر عمران و خانه همیار نشان می‌دهد که تفاوت چندانی میان این دو تشکیلات مگر در نحوه ارتباط آنها با شورای اسلامی روستا وجود نداشت. اما آخرین قانون در سال ۱۳۷۵ با عنوان «قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشوری و انتخاب شهرداران» به تصویب رسید. بر اساس این قانون مدیریت روستایی همچنان بر عهده شورای اسلامی است. این شورا در روستاهای تا ۱۵۰۰ نفر جمعیت ۳ نفر عضو و بیش از ۱۵۰۰ نفر ۵ نفر دارد. این قانون در سال ۱۳۷۷ با «قانون تأسیس دهیاری خوکفا در روستاهای

کشور» تکمیل شد که در آن مسئولیت اجرائی مدیریت روستایی بر عهده مقامی با عنوان «دهیار» گذاشته شده که از سوی شورا برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شود.

در این قانون شوراهای اسلامی روستا دارای وظایف متعددی هستند. از جمله این وظایف شناسایی مسایل، مشکلات و نارسایی‌های روستا، فراهم نمودن زمینه جلب مشارکت مردم برای پیشبرد امور، تصویب پیشنهادات و برنامه‌های دهیاری، مشارکت در تهیه طرح‌های توسعه و عمران روستا و بسترسازی جهت انجام بهینه فعالیت‌های آن‌ها در روستا است. در دوران حاضر شوراهای روستایی به همراه دهیاری که می‌توان آن را بازوی اجرایی شوراهای مذکور دانست، وظیفه مدیریت روستایی را برعهده دارند. انتظار آن است که روستاها با برخورداری از سازمان دمکراتیک محلی، توسعه‌نیافتگی موجود را تا اندازه زیادی به سمت توسعه‌یافتگی هدایت کنند. توسعه شوراهای می‌تواند موجبات گسترش نهادهای غیر دولتی، افزایش مشارکت مردم در اداره امور خود و پاسخگو نمودن نهاد مدیریت روستایی شود. با این وجود شواهد حکایت از آن دارد که شوراهای اسلامی روستایی با مسائل و چالش‌هایی مواجه هستند که بی‌توجهی به آنها می‌تواند مشکلات بیشتری را برای روستاهای کشور ایجاد کند. چالش‌های اجتماعی یکی از مهم‌ترین چالش‌های شوراهاست که در بروز سایر چالش‌ها به صورت مستقیم و غیر مستقیم اثرگذار است. این مقاله در پی آن است تا با نگاهی تحلیلی به چالش‌های اجتماعی، برخی از خطوط اصلی سیاست‌گذاری را برای بهبود وضعیت این سازمان‌ها تدوین نماید.

روش تحقیق

مطالعه حاضر بر اساس رویکرد کیفی انجام شده است. از آن جایی که هدف بررسی مسائل و چالش‌های شوراهای روستایی در ایران بود از «مشاهده اسنادی»^۱ استفاده شد. در این روش سندهایی که پدیده‌های اجتماعی بر رویشان اثرهایی باقی گذاشته‌اند، بررسی می‌شود. در میان انواع گوناگون سند، «اسناد کتبی رسمی» یعنی قوانین و مقررات مربوط به مدیریت روستایی، و «اسناد مطالعاتی» یعنی تحقیقات و پژوهش‌هایی که چالش‌های اجتماعی شوراها را مورد توجه قرار داده بودند، بررسی شدند. تحلیل اسناد مطالعه نیز به دو شیوه «تحلیل درونی» و «تحلیل برونی» انجام شد. در تحلیل درونی،

چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی ...

محتوی سند به لحاظ موضوعات مورد توجه، تقسیم‌بندی‌ها و تفکیک مسائل و چالش‌ها و تأثیرات آنها برای جامعه روستایی مورد شناخت قرار گرفت. در تحلیل برون‌ی ارتباط محتوی با واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی جامعه بررسی شد. در این شیوه تحلیل که به‌نظر مورس دورژه (۱۳۶۶: ۱۵۸) نوعی از «شیوه تحلیل جامعه‌شناختی» است، ارتباط‌ها با دیگر پدیده‌ها، اصل و ریشه، معنی و اثری را که سندها در جستجوی پدید آوردن آن هستند و اثرهایی که را در واقعیت پدید آورده‌اند مورد توجه است. اسناد مورد بررسی در این مقاله از کتابخانه، آرشیو و سایت اینترنتی مراکز و مؤسسات مختلفی که در ارتباط با شوراهای اسلامی روستایی کار کرده‌اند اعم از وزارت جهادکشاورزی، وزارت کشور، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، شورای عالی استان‌ها، دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس و همچنین دانشگاه اصفهان جمع‌آوری شده است.

یافته‌های تحقیق

سهم اندک زنان در شوراهای روستایی

در ایران بیش از ۶۰ درصد فعالیت‌های کشاورزی، نزدیک به ۶۳ درصد فعالیت‌های دامداری و عمده کارهای باغداری بر عهده زنان است (بینا، ۱۳۸۲: ۷). زنان علاوه بر مشارکت مؤثر در زمینه کشاورزی در سایر عرصه‌های غیر کشاورزی نیز نقش منحصر به فردی دارند و عدم توجه به نقش آنان در برنامه‌های توسعه‌ای منجر به شکست و یا ناکارآمد شدن چنین برنامه‌هایی می‌شود (اسمعیلی و قناعت، ۱۳۸۶: ۱۶). مشارکت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی و تفکیک‌ناپذیر برنامه‌های توسعه محسوب می‌شود و یکی از راه‌های مشارکت حضور در تشکل‌های اجتماعی است. شوراهای روستایی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین تشکل‌های اجتماعی نوین به حساب می‌آیند. با توجه به اینکه برای اولین بار در کشور زنان روستایی از طریق حضور در شوراهای روستا در مدیریت روستایی مشارکت داده شده‌اند، می‌بایست جهت تحکیم جایگاه آن‌ها در فرایند توسعه، زمینه‌های حضور آنان در این تشکل‌ها فراهم شود (گودرزی، ۱۳۸۵).

با توجه به سرشماری سال ۱۳۸۵ از کل جمعیت ساکن در مناطق روستایی کشور ۴۹/۲۲ درصد جمعیت این مناطق یعنی نزدیک به نیمی از جمعیت روستاهای کشور را زنان تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). انتظار می‌رود بخش قابل ملاحظه‌ای از اعضای شوراهای روستایی از زنان باشند.

برای بررسی این موضوع فعالیت شوراهای روستایی را به چهار دوره تقسیم‌بندی کرده و در هر دوره میزان مشارکت زنان را مورد بررسی قرار می‌دهیم: ۱- شوراهای روستایی پیش از برگزاری انتخابات سراسری سال ۱۳۷۷؛ ۲- شوراهای روستایی دوره اول (۱۳۸۲-۱۳۷۸)؛ ۳- شوراهای روستایی دوره دوم (۱۳۸۶-۱۳۸۲)؛ ۴- شوراهای روستایی دوره سوم (۱۳۹۰-۱۳۸۶). تا پیش از برگزاری نخستین انتخابات سراسری سال ۱۳۷۷ به سبب نبود سامانه ثبت اطلاعات، آمار و ارقام مربوط به شوراها یا نگهداری نشده‌اند و یا به صورت غیردقیق و ناقص وجود دارند. به همین دلیل و با توجه به اشکالاتی که در جمع‌آوری و دسته‌بندی اطلاعات مربوط به جنسیت اعضا وجود دارد نمی‌توان به طور دقیق راجع به این دوره اظهار نظر کرد ولی با توجه به اسناد و مدارک موجود همراه با کارهای تحقیقاتی صورت گرفته در نقاط مختلف کشور (دفتر مشارکت و بسیج مردمی جهادسازندگی، ۱۳۷۵؛ قاسمی، ۱۳۷۳؛ علیلو، ۱۳۷۳؛ متقیان، ۱۳۷۳؛ سبزه، ۱۳۷۳؛ ابراهیمی، ۱۳۷۳) می‌توان گفت تعداد زنان در شوراها به حدی ناچیز بوده که می‌توان از آن صرف‌نظر کرده و در اغلب این کارها در میان متغیرهای توصیفی مورد بررسی سخنی از جنسیت به میان نیامده است که حاکی از آن است در میان شوراهای روستایی حضور زنان بسیار نادر بوده است. بعد از انتخابات سراسری سال ۱۳۷۷ و آغاز دوره اول شوراها (۱۳۸۲-۱۳۷۸) از مجموع ۱۰۲۸۶۱ عضو شورای اسلامی روستایی میزان حضور مردان روستایی در شوراهای روستا ۹۹/۵ درصد و میزان درصد حضور زنان در شورا ۰/۵ درصد بوده است. همین آمار برای شوراهای اسلامی شهر نشان می‌دهد که از مجموع ۴۴۳۲ عضو شورای اسلامی شهر در دور اول ۹۳ درصد از اعضا را مردان و ۷ درصد را زنان تشکیل می‌دادند. در دوره دوم (۱۳۸۶-۱۳۸۲) از مجموع ۱۰۴۷۰۹ عضو شورای روستایی، نسبت زنان ۱ درصد از کل اعضای شوراهای روستا بوده است. همین نسبت برای شوراهای اسلامی شهر ۶/۵ درصد می‌باشد. در واقع در این دوره در برابر ۸۲ مرد عضو شورا در روستا یک زن عضو شورا وجود دارد (تیموری ۱۳۸۳). در دوره سوم^۱ (۱۳۹۰-۱۳۸۶) از کل جمعیت شوراهای روستایی تنها ۱/۲ درصد از آنها زن می‌باشند (سایت وزارت

۱ اطلاعات دوره سوم از سایت وزارت کشور اقتباس شده که در آن تعداد شوراهای روستایی به تفکیک استان ثبت شده که تمامی استان‌ها به جز استان کرمان در این آمارنامه موجود است. در ادامه مقاله تمامی اطلاعات مربوط به دوره سوم شوراها از آمارنامه فوق‌الذکر استخراج گردیده شده است.

چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی ...

کشور^۱). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود نسبت حضور زنان در شوراهای اسلامی روستا در هر دوره نسبت به دوره قبلی افزایش بسیار اندکی داشته است.

زنان روستایی دارای نیازها و خواسته‌های خاص خود از لحاظ آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و ... هستند که بسیاری از آنها توسط مردان نادیده گرفته می‌شود؛ از این رو افزایش حضور زنان در شوراهای روستا یک ضرورت است و نمی‌توان انتظار داشت که با روند در پیش‌گرفته به‌زودی مشکل حضور آنان در شوراها حل شود. در باب دلایل عدم مشارکت زنان در فعالیت‌ها و تشکلهای روستایی تحقیقات نسبتاً گسترده‌ای صورت گرفته است. سادات‌دربندی (۱۳۷۶) در مطالعه‌ای که در بخش‌های مرکزی کشور و حوزه کویرلوت، بم و هیرمند انجام داده به این نتیجه رسیده که در این مناطق فعالیت زنان روستایی در خارج از خانه حتی در امور کشاورزی مربوط به خانوار مرسوم نیست. به‌جز در مواردی که زن به‌دلیل فقدان شوهر و مسئولیت اداره خانه مستقیماً مجبور به کار کشاورزی است. در سایر موارد چنین نقش‌هایی برای زنان در خارج از خانه مقبول نیست. شاهرند بغدادی (۱۳۷۶) با تأیید نتایج این مطالعه معتقد است که در این مناطق مردسالاری رایج بوده و مردان مدیریت زنان را فقط در امور خانه پذیرا هستند و کمکی که زنان در خارج از خانه به مردان می‌کنند آن را جزء وظیفه زنان می‌دانند نه مشارکت آنها. بر همین اساس نتایج تحقیقات در نقاط مختلف کشور (گودرزی، ۱۳۸۵؛ حیدری و جهان‌نما، ۱۳۸۲؛ غلامرضایی، ۱۳۷۴؛ صفری شالی، ۱۳۸۷؛ وثوقی و آقابین، ۱۳۸۴؛ ویسی و بادسار، ۱۳۸۴؛ بینا، ۱۳۸۲؛ تیموری، ۱۳۷۷؛ مافی، ۱۳۷۷؛ گلپریان، ۱۳۷۶) حاکی از آن است که مهم‌ترین مانع مشارکت زنان در امور روستا، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و تبعیضات فرهنگی موجود در جامعه روستایی می‌باشد. این عوامل توسط شادی‌طلب (۱۳۸۱) به‌عنوان مهم‌ترین مانع مشارکت زنان قلمداد شده است. بر اساس نتایج تحقیقات فوق، دلایل عدم مشارکت زنان در مدیریت روستا را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- عدم مالکیت و نداشتن سرمایه؛ ۲- بی‌سوادی و پایین بودن سطح سواد زنان روستایی و خانواده آنها؛ ۳- فرهنگ مردسالاری در جامعه روستایی و ارزش‌ها و باورهای سنتی حاکم بر این جوامع؛ ۴- عدم برخورداری از آموزش‌های رسمی و غیر رسمی؛ ۵- عدم آگاهی جامعه روستایی از توانایی زنان؛ ۶- عدم خودباوری زنان؛ ۷- نداشتن الگوهای شغلی و عدم دسترسی به اعتبارات؛ ۸- پایین بودن

۱ سایت وزارت کشور در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۴ به نشانی

<http://www.Moi.Ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=Report&CategoryID>

میزان رفت و آمد زنان روستایی به شهر و تماس با زنان شهری؛ ۹- عدم آشنایی زنان روستایی با کارکرد تشکل های اجتماعی؛ ۱۰- کم توجهی دست اندرکاران و متولیان مدیریت روستایی به مشکلات و مسائل زنان روستایی.

در مطالعه ای که توسط گودرزی (۱۳۸۵) بر روی تمامی زنان روستایی عضو شوراهای روستایی در استان تهران انجام شده، نتایج به دست آمده موانع اجتماعی-اقتصادی و تبعیضات فرهنگی ذکر شده را تأیید می کند. بر اساس این تحقیق زنان روستایی که عضو شوراهای روستا بودند دارای ویژگی های زیر هستند:

۱- بیشتر زنان عضو شورای روستا شاغل بوده و اکثراً کارمند بودند و تعدادی از آنها نیز شخصاً دارای زمین کشاورزی هستند. به عبارت دیگر بیشتر زنان روستایی عضو شورا، دارای سرمایه و درآمد مستقلی هستند.

۲- هر زن عضو شورا قبلاً در روستا سمت و مسئولیت داشته و بیشتر مسئولیت ها در حوزه فعالیت های فرهنگی و اجتماعی مانند: مسئول پایگاه بسیج، مدیر مدرسه، مسئول خدمات بیمارستان و ... می باشد.

۳- اکثر زنان عضو شورا به طور متوسط سابقه دو نوع فعالیت اجتماعی در روستا را دارا بودند. این فعالیت ها شامل: برپایی جلسات قرآن، تشکیل هیئت های مذهبی، برگزاری کلاس های آموزشی مثل گلدوزی، شیرینی پزی و ... می باشد.

۴- اکثریت زنان روستایی عضو شورا جزء خانواده های طبقه متوسط روستا می باشند. شغل پدر آنها اکثراً کشاورزی بوده و بیشتر آنها پدران شان دارای سمت و وجهه اجتماعی در روستا بوده و در گذشته عضو شورای روستا، عضو انجمن ده، ریش سفید، معتمد روستا و ... بوده اند.

۵- اکثریت زنان عضو شورا دارای سواد بالا بوده و از وسایل ارتباط جمعی بیشتری استفاده می کنند. همسران شان نیز افراد باسواد بوده و بیشتر آنها کارمند دولت بودند.

۶- بین فضای برابری طلب خانواده (خانواده پدری و همسری) زنان عضو شورای روستا و میزان مشارکت آنان در مدیریت روستا رابطه وجود دارد. به عبارت دیگر زنان دارای فضای برابری بالا در خانواده دارای میزان مشارکت بالایی نیز در مدیریت مربوط به روستا هستند.

پایین بودن سرمایه انسانی اعضای شوراها

سطح سواد کشور در دوره‌های مختلف سرشماری، رشد چشم‌گیری داشته است به گونه‌ای که از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۸۵ درصد با سوادان ۶ سال و بالاتر در کل کشور از ۶۱/۷۸ به ۸۴/۶۱ درصد رسیده است. در همین دوره جمعیت باسوادان ۶ سال و بالاتر در مناطق روستایی کشور از ۴۸/۳۷ درصد به ۷۵/۲ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). سطح سواد اعضای شوراهای روستایی نیز با توجه به این تغییرات روند رو به رشدی داشته است. با این حال مشکل کم‌سوادی و بعضاً بی‌سوادی اعضای شوراهای روستایی از گذشته وجود داشته و تا به امروز نیز ادامه دارد. هرچند که در سه دوره پیشین شوراها نسبت به قبل از برگزاری انتخابات سراسری تغییراتی در این زمینه داشته‌اند ولی این تغییرات چندان محسوس نبوده و همچنان شوراها در اثر کم‌سوادی در فقر اطلاعات مدیریتی به سر می‌برند. سواد اعضای شوراها را از دو بُعد می‌توان بررسی کرد. الف) سواد عمومی، ب) سواد تخصصی.

الف) سواد عمومی

سواد عمومی شوراها بیشتر مربوط به آموزش‌های رسمی گذرانده شده توسط آنها و توانایی‌شان در خواندن و نوشتن است. بر اساس تقسیم‌بندی صورت گرفته می‌توان سواد عمومی شوراها را در چهار دوره بررسی کرد.

۱- پیش از برگزاری انتخابات سراسری: در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ تحقیقات گسترده‌ای در زمینه ارزیابی عملکرد شوراهای اسلامی روستایی در استان‌های مختلف کشور انجام شد (مرکز تحقیقات و مطالعات روستایی جهادسازندگی خراسان، ۱۳۷۱؛ متقیان، ۱۳۷۳؛ سبزه، ۱۳۷۳؛ جهانبخش، ۱۳۶۸؛ سعیدی، ۱۳۷۵؛ بنار، ۱۳۸۴) نتایج این تحقیقات حاکی از آن است که بیشتر اعضای شوراهای روستایی بی‌سواد بوده و یا دارای سواد خواندن و نوشتن هستند. تحقیق جامعی که جهادسازندگی در سال ۱۳۷۵ در سطح ۲۳ استان انجام داد، نتایج تحقیقات فوق را تأیید می‌کند. در این تحقیق بیشتر اعضای شوراهای روستایی یعنی ۳۶ درصد بی‌سواد، ۳۱ درصد سواد خواندن و نوشتن، ۲۱ درصد ابتدایی، ۴ درصد راهنمایی، ۲ درصد متوسطه و تنها ۶ درصد از اعضای شوراهای روستایی تحصیلات دیپلم و بالاتر از آن داشتند (دفتر مشارکت و بسیج مردمی جهادسازندگی، ۱۳۷۵).

۲- دوره اول شوراهای اسلامی روستایی (۱۳۸۲-۱۳۷۸): در دوره اول شوراها در مجموع ۳۳۴۱۸ شورا با ۱۰۷۲۹۳ عضو تشکیل گردید که از این تعداد ۱۰۲۸۶۱ عضو مربوط به روستاها با ۹۵/۹ درصد و تعداد ۴۴۳۲ عضو شورا مربوط به شهرها با ۴/۱ درصد بودند. با توجه به کم بودن تعداد اعضای شوراهای شهر در مقایسه با روستا تحصیلات اعضای شوراهای روستا به صورت جداگانه ارائه نشده است. توزیع فراوانی تحصیلات اعضای شوراهای شهر و روستا در دوره اول حاکی از آن است که در مجموع شهر و روستا، ۷۹/۶۵ درصد دارای تحصیلات زیردیپلم، ۱۳/۹۴ درصد دیپلم، ۵/۰۷ درصد لیسانس، ۰/۴ درصد فوق لیسانس، ۰/۱۳ درصد دکترا و ۰/۸ درصد حوزوی بوده‌اند. میزان تحصیلات لیسانس، فوق لیسانس و دکترا در مجموع ۵/۶ درصد از کل را به خود اختصاص داده که به طور طبیعی این درصد در نقاط شهری متمرکزاند. تحقیقات موردی که در استان‌های مختلف کشور در این دوره صورت گرفته نشان می‌دهد که سواد بیشتر اعضای شوراها در سطح ابتدایی و خواندن و نوشتن بوده است. در این دوره میانگین تحصیلات برای هر عضو شوراهای شهر و روستا در سطح کشور ۷/۵ سال تحصیلی بود (تیموری، ۱۳۸۳).

۳- دوره دوم شوراهای روستا (۱۳۸۶-۱۳۸۲): بر پایه آمار این دوره که به تفکیک شهر و روستا است میزان تحصیلات اعضای دوره دوم شوراهای روستایی به صورت جدول شماره (۱) می‌باشد.

جدول ۱: میزان تحصیلات اعضای دوره دوم شوراهای اسلامی روستایی

میزان تحصیلات به درصد	با سواد غیر رسمی	نهضت	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری	حوزوی
۸/۸۶	۸/۷۵	۳۵/۳۷	۱۴/۸۸	۱۱/۶۸	۱۲/۷	۳/۶۲	۴/۰۱	۰/۱۸	۰/۰۱	۰/۵۷	

بر اساس این آمار در روستاها ۷۹/۵۴ درصد از اعضای شوراها در سطح زیر دیپلم تحصیلات دارند در حالیکه همین آمار برای نقاط شهری حاکی از آن است که ۷۴/۲۳ درصد از اعضای شوراهای شهرها در دور دوم تحصیلاتی بالاتر از دیپلم داشتند. شاخص میانگین تحصیلات، برای اعضای شوراهای شهر و روستا در دور دوم ۷/۷ سال تحصیلی به دست آمده است و این به آن مفهوم است که

چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی ...

هر عضو از شوراهای شهر و روستا به‌طور متوسط ۷/۷ سال از تحصیلات عمومی بهره‌مند است.^۱ این شاخص نسبت به دوره اول ۰/۲ سال افزایش داشته است (تیموری، ۱۳۸۳).

۴- دوره سوم شوراهای روستا (۱۳۹۰-۱۳۸۶): آمار موجود در رابطه با دوره سوم شوراهای روستا سطح تحصیلات اعضا را به سه دسته زیردیپلم، دیپلم و بالاتر از دیپلم تقسیم داده است. براساس این دسته‌بندی ۷۰/۷ درصد از اعضا تحصیلاتی زیر دیپلم دارند. در این تقسیم‌بندی منظور از زیردیپلم سطحی از سواد است که به‌وسیله آن اعضا قادر به خواندن و نوشتن باشند. ۲۰/۷ درصد از اعضا دارای دیپلم و تنها ۸/۶ درصد تحصیلات‌شان بالاتر از دیپلم است (سایت وزارت کشور). در قیاس با دوره‌های پیشین ملاحظه می‌شود که سطح تحصیلات اعضای شوراها بالاتر رفته است. این افزایش سطح تحصیلات شاید در نگاه اول چندان راضی‌کننده نباشد ولی اگر شرایط جامعه روستایی کشور را در نظر بگیریم، شاید بهتر بتوانیم در رابطه با سطح تحصیلات موجود در میان اعضای شوراهای روستا قضاوت نماییم. در این زمینه توجه به چند نکته ضروری است:

- با توجه به کمبود امکانات و نبودن جاذبه در روستا، افراد تحصیل کرده به‌ویژه جوانان، عمدتاً از روستاها مهاجرت کرده و جذب شهرها مخصوصاً کلان شهرها می‌شوند.

- عضویت در شورای روستا از جاذبه چندان بر خوردار نیست؛ شوراهای روستا در عمل اختیارات محدودی داشته و بیشتر درگیر کارهای خدماتی هستند. لذا افراد دارای تحصیلات عالی برای ورود به این عرصه رغبت چندان ندارند (سایت وزارت کشور، دفتر مشارکت و بسیج مردمی جهادسازندگی، ۱۳۷۵)

برای ارتقای سطح تحصیلات اعضای شوراهای روستایی در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۲۷ شرایط انتخاب شوندگان برای عضویت در این شوراها اصلاح و بر اساس «بند ۵» ماده ۲۶ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور» دارا بودن سواد خواندن و نوشتن برای شورای روستاهای تا دویست خانوار و داشتن مدرک دیپلم برای شورای روستاهای بالای دویست خانوار الزامی شد (اصلاحیه قانون شوراها، ۱۳۸۶).

۱ همین شاخص یعنی میانگین تحصیلات در سطح روستا ۷/۵ سال تحصیلی برای هر عضو بوده و در شهرها برابر با ۱۲/۹ سال می‌باشد.

ب) سواد تخصصی

سواد تخصصی یعنی بهره‌مندی از آموزش‌های علمی و عملی لازم در زمینه‌های کشاورزی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و میزان آشنایی با این حوزه‌ها می‌باشد. پایین بودن سطح سواد تخصصی که خود ناشی از پایین بودن میزان آموزش‌های ارائه شده به شوراهای می‌باشد عملاً به یک آفت مهم برای کار شوراها تبدیل شده است (کوچکیان‌فر، ۱۳۷۹: ۲۸). تحقیقات انجام شده قبل از برگزاری انتخابات سراسری نیاز شوراهای به آموزش‌های تخصصی را خواستار شده و همین نیاز در تمامی کارهای انجام شده بعد از انتخابات و در سه دوره پیشین نیز تأیید شده است (یعقوبی فرانی، ۱۳۸۱؛ دفتر مشارکت و بسیج مردمی جهادسازندگی، ۱۳۷۵؛ جهانبخش، ۱۳۶۸؛ حسینی، ۱۳۸۰؛ عبداللهی، ۱۳۸۴؛ همدمی مقدم، ۱۳۸۶؛ علیلو، ۱۳۷۳؛ واحد امور شوراهای و بسیج جهادسازندگی استان کردستان، ۱۳۶۹؛ حسینی نیا، ۱۳۸۴: ۲۸؛ ناطق‌پور، ۱۳۸۱؛ خضرلو، ۱۳۷۹؛ خوش‌فر، ۱۳۸۱). اگرچه در هر دوره میزان آموزش‌های ارائه شده به شوراهای سیر صعودی داشته ولی میزان این آموزش‌ها نسبت به نیاز شوراهای روستایی پایین می‌باشد و همچنان شوراهای در بسیاری از زمینه‌ها فاقد دانش تخصصی هستند. نیازهای آموزشی اعضای شوراهای را بر اساس تحقیقات مختلف می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی نمود.

- آشنایی با امور اداری و سازمانی: منظور از امور اداری و سازمانی آشنایی با سازمان‌های اداری، ساختار تشکیلات ادارات و سازمان‌ها، مکاتبات اداری، روابط اداری و روابط عمومی با سازمان‌ها و اداراتی است که شوراهای روستایی با آنها در ارتباط‌اند. نیاز به آشنایی با امور اداری شامل وظایف و اختیارات شوراها، نحوه انتخاب دهیار، تنظیم صورت‌جلسه، گزارش عملکرد شورا و صورت‌حساب و ترازنامه‌های مالی نیز می‌شود.

- آشنایی با امور حقوقی و قضایی: اعضای شوراهای معتقدند که به واسطه عدم آشنایی با قانون در بسیاری از موقعیت‌ها نمی‌توانند از حقوق مردم دفاع کنند.

- آشنایی با امور اجتماعی و سیاسی: مهم‌ترین نیازهای آموزشی بیان شده در این زمینه شامل روش‌های جلب مشارکت مردم و نیروهای بانفوذ روستا و نیز تأسیس و تقویت نهادهای مشارکتی و تعاونی می‌باشد.

چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی ...

- آشنایی با امور فرهنگی: یکی از مهم‌ترین دلایل پایین بودن خدمات فرهنگی ارائه شده از جانب شوراهای روستا به روستاییان ناشی از عدم آگاهی آنها با امور فرهنگی بیان شده است.

- آشنایی با عمران و توسعه روستایی: در این زمینه شوراها نیازهای آموزشی خود را شامل موارد زیر می‌دانند. آشنایی با مسائلی از قبیل ضوابط و قوانین احداث بناهای روستایی، شیوه‌های نگهداری و حفاظت از تأسیسات عمومی و زیربنایی و شناسایی طرح‌های هادی روستایی و نحوه همکاری شورا در طرح‌های عمرانی روستایی می‌باشد.

از دیگر نیازهای آموزشی شوراهای روستا می‌توان به آشنایی تخصصی با علوم کشاورزی، منابع طبیعی و فعالیت‌های مربوط به این بخش‌ها و همچنین آشنایی با خدمات عمومی اشاره کرد. در مورد روش‌های آموزشی، بر مبنای نتایج حاصل شده می‌توان گفت که شوراهای روستایی آموزش حضوری در کلاس را مناسب‌تر از سایر روش‌ها تشخیص داده‌اند.

در مورد نیازهای آموزشی تخصصی اعضای شوراهای روستایی باید گفت که بسیاری از نکات آموزشی مثل آشنایی با امور حقوقی و قضایی، امور اداری و سازمانی و امور اجتماعی و فرهنگی از مجرای تحصیلات عمومی دیپلم به بالا فراهم می‌شود لذا برای ارتقای کارایی شوراها ابتدا باید سطح آموزش‌های عمومی آنها را ارتقا داد و براساس سطح آموزش عمومی به ارائه آموزش‌های تخصصی پرداخت.

انتظارات زیاد روستاییان و توان محدود شوراها

تحقیقات نشان می‌دهد روستاییان از شوراها انتظارات زیاد و غیر واقعی دارند و شورا را مسئول رسیدگی به مشکلات عدیده روستا می‌دانند. مردم احساس می‌کنند که هر مشکل و نقضی در روستا وجود داشته باشد، وظیفه رسیدگی آن بر عهده شوراهاست. اما وقتی می‌بینند که شوراها در مواجهه با آن از ضمانت اجرایی و قدرت کافی برخوردار نیستند، نسبت به شورا دل‌سرد شده و این دیدگاه منفی در دراز مدت، پایگاه و منزلت شورا را از مدیریت و رهبری روستا کاهش می‌دهد و مقبولیت و پذیرش شورا را در دیدگاه روستاییان تضعیف می‌کند (دفتر مشارکت و بسیج مردمی جهادسازندگی، ۱۳۷۵: ۱۲۵؛ جهانبخش، ۱۳۶۸: ۲۹۶؛ رستمی، ۱۳۸۲: ۸۴؛ بنار، ۱۳۸۴: ۱۰۴؛ رضایی، ۱۳۶۱: ۷۳؛ واحد امور شوراها و بسیج جهادسازندگی استان کردستان، ۱۳۶۹؛ حسینی‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۷؛ خدادادی، ۱۳۷۹؛

تیموری، ۱۳۸۳). از سوی دیگر پایین بودن میزان آگاهی مردم از ساختار و وظایف شورا باعث شده که شورا و بخش اجرایی آن یعنی دهیاری را که نهادی عمومی و غیردولتی هستند به عنوان نهادی دولتی و وابسته به دولت تلقی نمایند و این باعث شده که شورا و بالاخص دهیار را نماینده دولت بدانند. این دیدگاه در بسیاری از مواقع بر روی میزان همکاری های مردم با شورا اختلال ایجاد کرده و مشارکت های مردمی را کاهش می دهد (لشنی پارسا، ۱۳۸۵). تحقیق زاهدی (۱۳۸۱) بر روی شوراهای روستایی شهرستان خرم آباد نشان می دهد که نگرش مردم نسبت به شوراهای روستایی تابعی از توقع و انتظارات آنان از این نهاد است که این انتظارات بیشتر متأثر از وضع فعالیت و میزان سواد روستاییان است.

مهاجرت

مهاجرت روستاییان به شهر از معضلاتی است که از دیرباز گریبان گیر جامعه روستایی ایران بوده است. این مسأله را می توان از دو جهت مورد بررسی قرار داد:

- ۱- مهاجرت اعضای شوراهای روستا: در این حالت شوراهای روستا ارتباط دائمی و رودررویی با اهالی روستا نداشته و به تبع از بسیاری از مشکلات موجود در روستا نیز بی اطلاع می مانند. از سوی دیگر عدم حضور دائمی اعضای شورا در روستا بر روی میزان فعالیت آنها تأثیر منفی داشته و باعث کاهش میزان فعالیت آنها می شود (دفتر مشارکت و بسیج مردمی جهادسازندگی، ۱۳۷۵: ۱۲۵).
- ۲- مهاجرت روستاییان: جوانان روستایی بیشتر از سایر اقشار روستایی مهاجرت می کنند. مهاجرت جوانان به شهر و عدم حضور آنان در شورا از چند جهت مشکل زا می باشد. از یک سو مهاجرت جوانان تحصیل کرده به شهر و عدم حضور آنها در شوراهای روستا باعث پایین آمدن سطح سواد شوراهای روستایی می شود و از سوی دیگر خروج تدریجی نیروهای فعال و جوان روستایی از عضویت در شوراهای روستایی موجب می شود که ترکیب اعضای شوراها بیشتر از افراد مسن روستایی باشد که هم به لحاظ فعالیت و انگیزه ضعیف هستند و هم به اقتضای سن، افرادی محافظه کار و راضی به وضع موجود می باشند (قاسمی، ۱۳۷۳). این مشکل بیشتر قبل از برگزاری انتخابات سراسری وجود داشت. در این دوران اعضای شورا عموماً از ریش سفیدان و بزرگان روستا بوده که سال های متوالی عضو شورا بودند. بر این اساس قبل از انتخابات نزدیک به ۶۰ درصد اعضای

چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی ...

شوراهای اسلامی روستاهای کشور بیشتر از ۹ سال متوالی در شورا فعالیت داشتند و ۲۶ درصد آنها هم بین ۶-۹ سال عضو شورا بودند (دفتر مشارکت و بسیج مردمی جهادسازندگی، ۱۳۷۵: ۵۶). حضور طولانی مدت اعضا در شورا و نداشتن رقیب باعث بی‌انگیزه شدن اعضا و دلزدگی مردم از آنها شده بود. به‌همین دلیل در بیشتر تحقیقات صورت گرفته قبل از برگزاری انتخابات (قاسمی، ۱۳۷۳؛ علیلو، ۱۳۷۳؛ متقیان، ۱۳۷۳؛ ابراهیمی، ۱۳۷۳؛ قاضی میناس، ۱۳۷۳؛ ترابی، ۱۳۷۳؛ جهانبخش، ۱۳۶۸؛ مرکز تحقیقات و مطالعات روستایی جهاد سازندگی خراسان، ۱۳۷۱؛ دفتر مشارکت و بسیج مردمی جهادسازندگی، ۱۳۷۵) روستاییان یکی از مهم‌ترین مشکلات شوراها را عدم برگزاری انتخابات و حضور دائمی افراد مسن و بی‌انگیزه در شوراها می‌دانستند.

سرمایه اجتماعی پایین

شوراهای روستایی در آغاز و در سال‌های اولیه فعالیت خود با برخورداری از جو و روحیه انقلابی موجود در جامعه و حمایت بی‌دریغ جهاد سازندگی و همراهی کم‌وبیش سایر ارگان‌های دولتی توانستند ضمن به‌دست گرفتن زمام امور روستاها، با اعتماد و همدلی که بین آنها بود و با کمک مشارکت‌های مردمی اقدامات مهم و کارآمدی را انجام دهند. شرایط ناشی از جنگ و محاصره اقتصادی کشور دولت را وادار به سهمیه‌بندی کالاهای اساسی کرد. توزیع کوبین با همکاری جهاد سازندگی بین روستاییان و توزیع برخی لوازم خانگی، صدور معرفی‌نامه‌های مختلف برای دریافت مصالح ساختمانی، کود، سم، بذر و ... موجب ارتباط نسبتاً مستمر روستاییان با شوراها شد. روند همکاری متقابل مردم و شوراها همچنان ادامه داشت تا اینکه حدوداً از سال‌های ۶۳-۱۳۶۲ به بعد عوامل چندی موجب تضعیف کارکردها و موقعیت شوراهای روستایی شد. این عوامل از جمله عدم انسجام درونی اعضا، دلسردی برخی از اعضای شوراها و مسائل و مشکلاتی که در رابطه با روابط اجتماعی در سطح روستا برای آنها پیش آمده بود موجب کناره‌گیری برخی از اعضا شد که این عمل خود حالت رکود و عمل‌زدگی شوراها را به دنبال داشت (طالب، ۱۳۷۱: ۹۳-۹۱؛ خوش‌فر، ۱۳۸۱). از این تاریخ به بعد گرچه سرمایه اجتماعی شوراهای روستایی در بسیاری از روستاها بیشتر از نقاط شهری بود ولی پایداری اولیه خود را از دست داده بود. تحقیقات صورت گرفته قبل از برگزاری انتخابات سراسری (قاسمی، ۱۳۷۳؛ علیلو، ۱۳۷۳؛ واحد امور شوراها و بسیج جهادسازندگی استان

کردستان، ۱۳۶۹؛ رضایی، ۱۳۶۱) نشان می‌دهد که در مجموع گرایش روستاییان نسبت به شوراهای روستایی مثبت بوده لکن این میزان گرایش به هیچ‌وجه کافی نبوده و گرایش روستاییان به شوراهای سال به سال سیر نزولی داشته است. از مهم‌ترین عوامل در کاهش گرایش روستاییان به شوراهای می‌توان کاهش اعتماد مردم به شورا، عدم انسجام درون شوراهای و بین شوراهای و مردم و همچنین عدم برگزاری انتخابات شوراهای روستایی دانست. دولت با برگزاری انتخابات سراسری شوراهای در اسفند ۱۳۷۷ درصد جلب رضایت مردم از شورا و ایجاد حس اعتماد و مشارکت در روستاییان نسبت به شوراهای برآمد. نتایج تحقیقات مختلف در مناطق روستایی کشور نشان می‌دهد که بعد از انتخابات اگرچه رضایت مردم از شوراهای انتخابی خود افزایش یافت ولی همچنان در بسیاری از مناطق، بزرگ‌ترین موانع کاری شوراهای بی‌اعتمادی مردم به شوراهای و بالعکس، اختلافات درونی شوراهای و شوراهای با مردم و پایین بودن میزان مشارکت مردم با شوراهای می‌باشد (حسینی‌نیا، ۱۳۸۴، همدی مقدم، ۱۳۸۶؛ جلیلی پروانه، ۱۳۸۷؛ رستمی، ۱۳۸۲؛ لشنی پارسا، ۱۳۸۵؛ تیموری، ۱۳۸۳). اعضای شوراهای روستایی مهم‌ترین مسائل و مشکلات اجتماعی خود را ناشی از عواملی می‌دانند که اکثریت این عوامل جزو شاخص‌های سرمایه اجتماعی هستند. مهم‌ترین مشکلات اجتماعی مطرح شده به این قرار است: عدم همدلی و وحدت بین اعضای شوراهای، عدم هماهنگی و انسجام بین اعضای شوراهای، ارزش و اهمیت شورا بین مردم، جلب مشارکت مردم توسط شوراهای، رضایت از کار به‌عنوان عضو شورا، اختلافات قومی و طایفه‌ای. در این زمینه اعتماد اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص و معرفه سرمایه اجتماعی بارها در مناطق مختلفی از روستاهای کشور مورد سنجش قرار گرفته است. در این تحقیقات اعتماد از ابعاد مختلف ارزیابی شده است. به‌طور کلی چهار بُعد مهم اعتماد در این تحقیقات شامل: ۱- اعتماد روستاییان به یکدیگر، ۲- اعتماد روستاییان به شورا، ۳- اعتماد شورا به روستاییان، ۴- اعتماد به نهادهای دولتی. متأسفانه نتایج این تحقیقات تا حد زیادی مبهم هستند بدین‌معنی که وقتی از روستاییان یا اعضای شورا در باب اعتمادشان به یکدیگر یا به نهادهای دولتی سوال می‌شود آنها در برابر سه گزینه «اعتماد زیاد»، «اعتماد متوسط» و «اعتماد کم»، اکثراً گزینه «اعتماد متوسط» را انتخاب می‌کنند از این‌رو، نمی‌توان درباره سطح اعتماد روستاییان به‌طور دقیق اظهار نظر کرد (خوش‌فر، ۱۳۸۱؛ حمیدیان و همکاران، ۱۳۸۶؛ غفاری، ۱۳۸۰). اما شاید کثرت انتخاب گزینه اعتماد متوسط نشانگر محافظه‌کاری سنتی در نزد روستاییان ایرانی باشد (آبراهامیان، ۱۳۷۶). تیموری به‌نقل از سیف‌اللهی

چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی ...

بیان می‌دارد که در یک نظرسنجی ملی، ۶۰ درصد پاسخگویان که از اعضای شوراها بوده‌اند یکی از موانع و تنگناهای عمده در نهادمند شدن و گسترش شوراهای روستایی را «اختلافات داخلی شورا» بیان نموده‌اند (تیموری، ۱۳۸۳: ۱۷۱). در همین رابطه یکی از مشکلات شوراها که باعث اختلافات زیادی در آنها شده وجود جهت‌گیری‌های قومی و طایفه‌ای در میان اعضا است (واحد امور شوراها و بسیج جهاد سازندگی استان کردستان، ۱۳۶۹؛ حسینی‌نیا، ۱۳۸۴؛ همدمی‌مقدم، ۱۳۸۶؛ طالب، ۱۳۷۷: ۵۹؛ قریب، ۱۳۷۷: ۷۳). جهت‌گیری‌های طایفه‌ای باعث شده که شوراها دچار سیاست‌زدگی شوند یعنی در شوراهای روستایی تصمیم‌گیری به‌جای عقلانی بودن بر اساس منافع گروهی و جناحی باشد و برخی از اعضا با جانبداری از اقوام و خویشاوندان خود در منازعات محلی موجبات بی‌اعتمادی مردم به شوراها را فراهم آورده‌اند (حسینی‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۶). اختلافات قومی در کنار نزاع‌های سیاسی و خطی که در برخی از روستاها جایگزین نزاع‌های طایفه‌ای و قبیله‌ای زمان گذشته شده (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۳۱۰) موجب درگیری‌هایی بین اعضای شوراها با یکدیگر یا با مردم شده است. در این حال روستائیان نامه در دست ضمن مراجعه به بخش‌داری‌ها، فرمانداری‌ها و حتی در موارد عدیدهای به وزارت کشور شکایت و گزارش‌هایی را ارائه کرده‌اند. نتیجه این امر می‌تواند موجب جا افتادن عملکرد منفی شوراها در اذهان مردم و به تبع آن عدم مشارکت مردم با شوراها و سلب اعتماد از آنها شود (تیموری، ۱۳۸۳: ۱۶۵-۱۶۴).

نتیجه‌گیری

از آنجایی که شوراها در عرصه توزیع و اعمال قدرت در سطح محلی فعالیت می‌کنند، نهادهایی سیاسی به‌شمار می‌روند. این نظر ممکن است با برداشت‌های رایج که شوراها را در زمره سازمان‌های غیر دولتی محسوب می‌کند در تقابل باشد، اما نگاهی به تأثیرات شوراها بر تقسیم منافع و جابجایی منابع که همراه با سود و مزیت برای گروه‌هایی و ضرر و زیان برای گروه‌های دیگر است، بیان‌گر این موضوع است که شوراها در حوزه نهادهای سیاسی جامعه قرار می‌گیرند. مهم‌ترین تأثیرات شوراها بر حوزه سیاست را با توجه به آنکه نهادهای دمکراتیک هستند، می‌توان در افزایش مشارکت عمومی، افزایش آگاهی عمومی، شفافیت در اداره امور، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری مدیران دانست. علاقمندی به امور عمومی زیست‌گاه عاملی است که می‌تواند پیوند میان ساکن و سکونت‌گاه او را

تحکیم بخشد. شوراها مهم‌ترین نهادهایی هستند که می‌توانند بر امور عمومی شهرها و روستا تأثیرات قابل توجهی داشته باشند. دانش توسعه در زمینه سازمان‌های محلی بیانگر اهمیت ریشه‌های اجتماعی و روابط متقابل میان این سازمان‌ها و جامعه محلی است. به عبارت دیگر ویژگی‌ها، شرایط و ساختارهای اقتصادی-اجتماعی حاکم بر جامعه محلی بر ساختار و کارکرد سازمان‌های مذکور اثرات قابل توجهی دارد. هرچه میزان مشارکت و اختیار ساکنین محلی به‌ویژه گروه‌هایی نظیر زنان در اداره امور این سازمان‌ها بیشتر باشد احتمال توفیق آنها در دستیابی به اهداف خود فزونی خواهد گرفت (نارایان، ۱۹۹۵).

بررسی مشکلاتی که شوراهای روستایی با آنها مواجه بودند نشان می‌دهد که آنها با چالش‌های مهمی درگیری دارند که بی‌توجهی به آنها می‌تواند بر کارکرد مطلوب سازمان‌های مذکور تأثیرات منفی داشته باشند. با توجه به اتکای دولت به درآمدهای نفتی و سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در شهر در کنار بحران‌های ساختاری ایجاد شده در بخش کشاورزی به‌ویژه پس از اصلاحات ارضی در دهه ۴۰ خورشیدی، حیات روستایی را در جامعه ایران در طی دهه‌های اخیر دچار مخاطره کرده است. تأثیرگذاری عاملی مانند مهاجرت که برخاسته از سازوکارهای کلان اقتصادی-اجتماعی است، بر عملکرد شوراها و ترکیب سنی کهن‌سال شوراهای روستایی نمونه‌هایی از این چالش در سطح خرد هستند. در بُعدی دیگر مسائل فرهنگی برخاسته از سنت‌های متکی به مردسالاری نیز سبب عدم دسترسی کامل زنان به فرصت مشارکت در شوراها برای پیگیری مطالبات و خواسته‌های آنها شده است. با وجود سهم قابل توجه زنان در عرصه فعالیت‌های اقتصادی روستاها و این واقعیت که تقریباً نیمی از جمعیت روستاها را زنان تشکیل می‌دهند، سهم آنان در مدیریت روستایی اندک است. بررسی نسبت جنسی اعضای شوراها در سه دوره شوراهای روستایی تشکیل شده حکایت از این دارد که در دوره اول (۸۲-۱۳۸۷) سهم زنان تنها ۰/۵ درصد بوده، در دوره دوم (۸۶-۱۳۸۲) به ۱ درصد و در دوره سوم تنها به ۱/۲ درصد رسیده است. این در حالی است که زنان روستایی مانند هر گروه دیگر دارای نیازها و خواسته‌های خاص خود هستند اما سهم و صدایی در مدیریت سازمان‌های اداره کننده امور پیدا نمی‌کنند. سهم اندک زنان در سازمان‌های مدیریتی و مشارکتی مؤثر در روستا تنها به عضویت در شوراها محدود نمی‌شود. این وضعیت در سایر تشکلهای موجود در روستا مانند شرکت‌های تعاونی روستایی نیز قابل مشاهده است. از عوامل اصلی مسبب این وضعیت می‌توان به قدرت اندک

چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی ...

مالکیت و سرمایه، بی‌سوادی و کم‌سوادی زنان و فرهنگ مردسالاری موجود در روستاها اشاره کرد. نکته جالب توجه این است که بررسی انجام شده درباره وضعیت اقتصادی و اجتماعی اندک زنان عضو شورا نشان دهنده توان اقتصادی، پیشینه فعالیت‌های اجتماعی و تعلق آنها به خانواده‌های متوسط و بالاتر و تا اندازه‌ای با گرایش برابرطلب نسبت به موقعیت زنان و مردان است. از این رو سیاست‌ها و اقداماتی مانند منظور کردن سهمیه برای زنان و برگزاری دوره‌های آموزشی جهت توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی آنان می‌تواند در دستور کار سازمان‌های دولتی و مردمی مرتبط با روستا قرار گیرد. این اقدامات می‌تواند سهم زنان را در مدیریت روستایی افزایش دهد.

سازمان‌های مدرنی مانند شوراهای روستایی نیازمند عواملی نظیر سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی برای داشتن کارکرد مناسب و اثربخشی مطلوب هستند. بروکراتیزه شدن روزافزون عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیاز به داشتن سواد و تخصص را به امری ضروری برای انسان‌ها تبدیل ساخته است. اگرچه شاید در نگاهی خام مسائل روستایی نسبت به مسائل شهری ساده‌تر جلوه کند اما واقعیت آن است که مسائلی مانند بودجه‌ریزی، تهیه برنامه‌های عمرانی، گسترش مشارکت و تقویت سازمان‌های مردمی همگی اموری هستند که به سرمایه انسانی برای پیشبرد خود نیاز دارند. اما بررسی ما نشان داد که با وجود گسترش سواد در جامعه، روستاییان سهم اندکی نسبت به هم‌تایان شهری خود داشته‌اند موضوعی که می‌توان بازتاب آن را در سواد اندک اعضای شوراهای روستایی ملاحظه کرد. بدیهی است شوراها با سرمایه انسانی پایین نمی‌توانند چندان به اجرای سیاست‌های توسعه روستایی و جلب مشارکت نهادهای دولتی، خصوصی و مدنی امیدوار باشند. از اینرو لازم است تا سازمان‌های متولی امور شوراهای روستایی نظیر شورای عالی استان‌ها و سازمان‌های غیردولتی فعال در عرصه روستاها توجه بیشتری به توانمندسازی اعضا و برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی متناسب با نیازهای مخاطب داشته باشند.

آثار منتشر شده در خصوص سرمایه اجتماعی به‌ویژه کارهای پاتنام و فوکویاما نشان می‌دهد که این سرمایه عامل مهمی در توفیق نهادهای دمکراتیک است. امری که از سوی تحقیقات داخلی (ایمانی جاجرمی و ازکیا، ۲۰۰۹) نیز تأیید شده است. یکی از اقدامات مؤثر برای حفظ موجودی سرمایه اجتماعی و افزایش آن در میان شوراهای روستایی تقویت سازمان‌های مدنی است. این سازمان‌ها

به سبب ساختار افقی و داوطلبانه خود می‌توانند مولد سرمایه اجتماعی باشند. از سوی دیگر سازمان‌های مذکور همکاران و شرکای قابل اعتمادی برای شوراهای نیز خواهند بود.

منابع

- آبراهامیان، پروانه (۱۳۷۶). مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران. ترجمه سهیلا ترابی فارسانی. تهران: شیرازه.
- ابراهیمی، اسدالله (۱۳۷۳). بررسی میزان و علل گرایش روستاییان به شوراهای اسلامی در شهرستان اراک. پایان‌نامه کارشناسی. مرکز آموزش عالی امام خمینی.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی. تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. تهران: نشرنی.
- اسمعیلی، سمیه و قناعت، نونا (۱۳۸۶). اثربخشی کلاس‌های آموزشی-ترویجی در کاهش میزان ضایعات برداشت گندم از دیدگاه زنان روستایی شهرستان گرمسار. مجله جهاد. سال ۲۷، شماره ۲۷۹.
- اشرف، احمد (۱۳۶۱). دهقان، زمین و انقلاب. مجموعه کتاب آگاه. مسائل ارضی و دهقانی. تهران: انتشارات آگاه.
- اصلاحیه قانون شوراهای (۱۳۸۶). منتشر نشده.
- ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۷۲). شورای اسلامی روستاهای الگویی از مدیریت در جوامع ده‌نشین. مجله جهاد. سال دوازدهم، شماره ۱۵۸.
- بنار، رحمت الله (۱۳۸۴). شورا- تقویت حضور مردم و تمرکزگرایی. تهران: انتشارات مهر برنا.
- بینا، لادن (۱۳۸۲). بررسی نقش مشارکت زنان در مقابله با بیابان‌زایی و عوامل مؤثر بر مشارکت آنان در بیابان‌زدایی در حوزه آبخیز حبله‌رود سمنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس.
- ترابی، سیروس (۱۳۷۳). بررسی گرایش روستاییان به شوراهای اسلامی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان نقده. پایان‌نامه کارشناسی، مرکز آموزش عالی امام خمینی.
- تیموری، کاوه (۱۳۸۳). آشنایی با شوراهای اسلامی. تهران: نوآوران قلم، چاپ سوم.
- تیموری، مهرداد (۱۳۷۷). رویکردی نوین به مشارکت زنان روستایی در تشکلهای مردمی با تأکید بر شوراهای اسلامی. مجموعه مقالات همایش شوراهای اسلامی و مشارکت مردمی. دانشگاه تهران ۶-۴ بهمن‌ماه.

چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی ...

جهانبخش، اسماعیل (۱۳۶۸). بررسی شوراهای اسلامی روستایی و نقش آنها در توسعه روستایی: مطالعه موردی ۲۰ روستای برگزیده شهرستان اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

جلیلی پروانه، زهرا (۱۳۸۷). اولویت‌بندی نیازهای توسعه‌ای روستاییان از دیدگاه شوراهای اسلامی روستا و مردم روستا: مطالعه موردی دهستان بخش مرکزی شهرستان فردوس. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس.

حسینی، مجید (۱۳۸۰). ارزیابی شوراهای اسلامی روستایی بخش حمیل اسلام آباد غرب در گذر از تجربیات نهادهای مشارکتی روستایی ایران (۱۳۸۰-۱۳۸۵). پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده کشاورزی دانشگاه اصفهان.

حسینی‌نیا، غلامحسین (۱۳۸۴). بررسی نیازهای آموزشی اعضا شوراهای اسلامی روستایی در حیطه فعالیت‌های جهاد کشاورزی. معاونت ترویج و نظام بهره‌برداری وزارت جهاد کشاورزی.

حمیدیان، علیرضا و همکاران (۱۳۸۶). شوراهای روستایی در بوت‌های خرده فرهنگ دهقانی راجرز: مطالعه موردی شهرستان سبزوار. مجله جغرافیا و توسعه، ۵ (پیاپی ۹).

حیدری، غلامرضا و جهان‌نما، فهیمه (۱۳۸۲). توانایی زنان در بخش کشاورزی-روستایی. مجله پژوهش زنان. دوره ۱، شماره: ۶.

خدادادی منصور، ام‌البنین (۱۳۷۹). بررسی نقش شوراهای اسلامی در توسعه روستایی: مطالعه موردی شهرستان بابل. معاونت ترویج و مشارکت مردمی دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی جهاد کشاورزی.

خسروی، خسرو (۱۳۵۵). جامعه‌شناسی روستای ایران. تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.

خضری، بهروز (۱۳۷۹). مدلی برای برنامه‌ریزی آموزشی-ترویجی اعضای شوراهای اسلامی در روستاهای استان آذربایجان غربی (قسمت دوم). مجله جهاد. سال نوزدهم، شماره ۲۳۵-۲۳۴.

خوش‌فر، غلامرضا (۱۳۸۱). بررسی مسایل و مشکلات شوراهای اسلامی روستایی (مطالعه موردی استان گلستان). مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش شوراهای اسلامی. وزارت کشور. ۲۸ و ۲۹ بهمن‌ماه.

دفتر مشارکت و بسیج مردمی جهادسازندگی (۱۳۷۵). بررسی نقش و عملکرد شوراهای اسلامی روستایی (۷۲-۱۳۵۸) با تأکید بر سیر مدیریت روستایی. ناشر دفتر مشارکت و بسیج مردمی.

دوورژه موریس (۱۳۶۶). روش‌های علوم اجتماعی. ترجمه خسرو اسدی. تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

رستمی، کاظم (۱۳۸۲). نقش مشارکت‌های مردمی در توسعه پایدار با تأکید بر مشارکت‌های سنتی و جدید:

مطالعه موردی بخش فلاورد شهرستان لردگان. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس.

رضایی، خیرالله (۱۳۶۱). تحقیق شوراهای روستایی بخش مرکزی بابل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۱). موانع و عوامل بازدارنده فعالیت‌های شورایی در نقاط روستایی با رویکرد به فعالیت شوراهای نواحی روستایی شهرستان خرم‌آباد. مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش شوراهای اسلامی. وزارت کشور، ۲۸ و ۲۹ بهمن‌ماه.

سادات دربندی، ابوالقاسم (۱۳۷۶). زنان روستایی در حوزه آبخیز کویسیه و پایتنگ. مجموعه مقالات زنان روستایی و کشاورزی ۱۴۰۰. معاونت ترویج. مشارکت‌های مردمی جهاد کشاورزی. سایت وزارت کشور در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۴ به نشانی

<http://www.Moi.Ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=Report&CategoryID>

سبزه، محمد (۱۳۷۳). سنجش گرایش روستاییان نسبت به شوراهای اسلامی روستایی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان گرگان. پایان‌نامه کارشناسی مرکز آموزش عالی امام خمینی.

سعیدی، محمدرضا (۱۳۷۵). بررسی نقش و عملکرد شوراهای اسلامی روستایی (۷۲-۱۳۵۸). تهران: وزارت جهاد سازندگی. معاونت ترویج و مشارکت‌های مردمی.

شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۱). توسعه و چالش‌های زنان ایرانی. تهران: قطره.

شاهرند بغدادی، پریچهر (۱۳۷۶). زنان روستایی در حوزه غرب کویرلوت (بم و نرماشیر). وزارت کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و انسانی. مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

شفیق، م (۱۳۵۸). گزارشی از سمینار بررسی مسائل کشاورزی. کتاب جمعه. سال اول، شماره ۱۷، تیرماه.

صفری شالی، رضا (۱۳۸۷). عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسایل خانوادگی و اجتماعی. مجله پژوهش زنان. دوره ۶، شماره ۱.

طالب، مهدی (۱۳۷۱). مدیریت روستایی در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

طالب، مهدی (۱۳۷۷). شوراهای اسلامی روستایی، کارکردها، تنگناها. فصلنامه پژوهش. پیش شماره دوم.

طالب، مهدی و موسی عنبری (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی روستایی؛ ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

عبداللهی، عیوض (۱۳۸۴). تحلیل مشارکت تشکل‌های مردمی و محلی (CBOs) در برنامه‌های تسهیل‌گری (ترویجی) پیرامون توسعه پایدار روستایی: مطالعه موردی شوراهای اسلامی روستایی استان آذربایجان

غربی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس.

علیلو، عزیز محمود (۱۳۷۳). بررسی و سنجش میزان گرایش روستاییان شهرستان مرند به شوراهای اسلامی روستایی. پایان‌نامه کارشناسی مرکز آموزش عالی امام خمینی.

چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی ...

غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی-اقتصادی سازمان‌یافته روستاییان به‌عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی در ایران: مطالعه موردی روستاهای شهر کاشان. رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

غلامرضایی، سعید (۱۳۷۴). عوامل مؤثر بر میزان آگاهی زنان روستایی پیرامون مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی در بخش مرکزی شهرستان خرم‌آباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران.

قاسمی، حاجیعلی (۱۳۷۳). سنجش گرایش روستاییان نسبت به شوراهای اسلامی روستایی در شهرستان اسدآباد. پایان‌نامه کارشناسی مرکز آموزش عالی امام خمینی.

قاضی میناس، رستم (۱۳۷۳). بررسی گرایش روستاییان به شوراهای اسلامی و عوامل مؤثر بر آن در شهرستان سلماس. پایان‌نامه کارشناسی مرکز آموزش عالی امام خمینی.

قریب، یوسف (۱۳۷۷). شورا و روستا. فصلنامه پژوهش. پیش شماره دوم. کوچکیان‌فر، حسین (۱۳۷۹). تحلیل وظایف شوراهای اسلامی در حوزه توسعه و عمران روستایی. مجموعه مقالات همایش علمی-تخصصی نقش شوراهای اسلامی در مدیریت توسعه روستایی. معاونت ترویج و مشارکت مردمی جهاد کشاورزی.

گلپریان، رقیه (۱۳۷۶). موقعیت زنان از دیدگاه زنان و مردان در حوزه هیرمند جنوب شرقی کویر لوت. وزارت کشاورزی، معاونت برنامه‌ریزی و انسانی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی.

گودرزی، فریبا (۱۳۸۵). بررسی میزان مشارکت زنان عضو شورای اسلامی روستایی در مدیریت مربوط به روستا و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

لشنی پارسا، روح‌الله (۱۳۸۵). ارزیابی اثربخشی عملکرد دهیاری‌های شهرستان بروجرد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

مافی، فرزانه (۱۳۷۷). ضرورت حضور زنان در شوراهای اسلامی. مجموعه مقالات همایش شوراهای اسلامی و مشارکت مردمی، دانشگاه تهران، ۶-۴ بهمن‌ماه.

متقیان، محمدعلی (۱۳۷۳). سنجش گرایش روستاییان نسبت به شوراهای اسلامی روستایی شهرستان کبودر آهنگ استان همدان. پایان‌نامه کارشناسی مرکز آموزش عالی امام خمینی.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). نتایج کلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵. تهران: مرکز آمار ایران.

مرکز تحقیقات و مطالعات روستایی جهاد سازندگی خراسان (۱۳۷۱). عملکرد دهساله شوراهای اسلامی روستایی شهرهای استان خراسان. ناشر مرکز تحقیقات و مطالعات روستایی.

ناطق پور، محمدجواد (۱۳۸۱). آموزش شوراهای اسلامی گامی در افزایش مشارکت و توسعه. مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش شوراهای اسلامی، وزارت کشور، ۲۸ و ۲۹ بهمن‌ماه.

همدمی مقدم، یلدا (۱۳۸۶). ارزیابی عملکرد شوراهای اسلامی روستا در توسعه روستایی و عوامل مؤثر بر آن: مطالعه موردی دهستان آلاداغ بجنورد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت مدرس.

هوگلاند، اریک ج. (۱۳۸۱). زمین و انقلاب در ایران (۱۳۶۰-۱۳۴۰). ترجمه فیروزه مهاجر. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.

واحد امور شوراهای و بسیج جهاد سازندگی استان کردستان (۱۳۶۹). تحلیلی از وضعیت شوراهای اسلامی روستایی (نمونه‌برداری از روستاهای شهرستان دیواندره). ناشر واحد امور شوراهای و ثوقی، منصور و یوسفی آقابین، افسانه (۱۳۸۴). پژوهشی جامعه‌شناختی در زمینه مشارکت اجتماعی زنان روستایی روستای آغکند شهرستان میانه. نامه علوم/اجتماعی. دوره ۱۱، شماره: ۳.

ویسی، هادی و بادسار، محمد (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر نقش اجتماعی زنان در فعالیت‌های روستایی: مطالعه موردی استان کردستان. فصلنامه روستا و توسعه. دوره ۸، شماره: ۴.

یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۸۱). نیازسنجی آموزشی اعضای شوراهای اسلامی روستایی (پژوهشی در استان‌های اصفهان، همدان و لرستان). تهران: وزارت جهادکشاورزی.

Narayan, Deepa (1995). *Designing Community Based Development*. Washington: World Bank.

Imani Jajarmi, Hossein and Azkia, Mostafa (2009). Challenges for Local Democracy in Iran: A Study of Islamic City Councils. *Critique Critical Middle Eastern Studies*. vol: 18, No: 2, Pp. 145-159.